

پایایی و پویایی ناتو در محیط امنیتی جدید پس از جنگ سرد

حسین سلیمی^۱

استاد گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

حسن عیوض زاده

دانشجوی دکترای روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی

(تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۹ - تاریخ تصویب: ۹۵/۱۲/۸)

چکیده

با پایان جنگ سرد بسیاری بر این گمان بودند که عمر ناتو نیز به سر آمده است و با از بین رفتن تهدید شوروی دیگر دلیلی برای تداوم فعالیت ناتو وجود ندارد. در مقابل، برخی دیگر از تحلیل‌گران بین‌المللی با اشاره به تغییر شکل نظام بین‌الملل (براساس نظریه واقع‌گرایی ساختاری) به واسطه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر شکل تهدیدهای بین‌المللی (در نتیجه آن) معتقد بودند که در دنیای پسا جنگ سردی، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با تهدیدات متنوع و جدیدی روبه‌روست؛ تهدیداتی که چه به لحاظ موضوعی، چه به لحاظ جغرافیایی و چه به لحاظ پیچیدگی از گستردگی و تنوع به مراتب بیشتری در مقایسه با دوران جنگ سرد برخوردارند؛ البته تهدیداتی که توجیهاتی محکم برای ادامه حضور و فعالیت این سازمان فراهم می‌آورند. با توجه به این مقدمه، در این پژوهش، با استفاده تکمیلی از روش تحلیل محتوای مقوله‌ای دلایل پایایی و پویایی ناتو در دوران پس از جنگ سرد و در درون محیط امنیتی جدید بررسی خواهد شد. استدلال محوری این پژوهش این است که نیاز به حفظ موازنه قدرت در قالب موازنه تهدیدات جدید برآمده از تغییر ساختار نظام بین‌الملل، مهم‌ترین ضرورت پایایی و پویایی ناتو در دوران پس از جنگ سرد بوده است.

واژگان کلیدی

تهدیدات جدید، جنگ سرد، ساختار نظام بین‌الملل، محیط امنیتی جدید، ناتو.

مقدمه

اگر اصل تقدم ساختار بر عامل را در نظام بین‌الملل مطابق نظر کنت والتز بپذیرید، رفتارها و کنش‌های یک بازیگر تحت تأثیر شرایط ساختاری نظام بین‌الملل خواهد بود؛ یعنی اگر ساختار «الف» باشد، بازیگر یا عامل براساس جبر ساختاری باید رفتارها و کنش‌هایی منطبق با «الف» اتخاذ کند. طبیعی است با دگرگون شدن ساختار، رفتارها و کنش‌های پیشین دیگر پاسخگو نخواهد بود. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ساختار نظام بین‌الملل دگرگون شد، بنابراین، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با دگرگون شدن ساختار نظام بین‌الملل با محیط امنیتی جدید و تهدیدات جدیدی روبه‌رو شد، شرایطی که ضرورت‌هایی جدی و جدید برای بقای ناتو فراهم آورد و این سازمان را ناگزیر از بازتعریف اهداف و بازطراحی کارکردهایش کرد. اما کماکان و به‌طور مشخص در مورد این پژوهش یک پرسش دیگر باقی می‌ماند، و آن این است که اساساً ضرورت پرداختن به چنین بحثی، پس از گذشت تقریباً دو دهه و نیم از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد چیست؟ به تعبیر دیگر، آیا موضوع بقای ناتو در دوران پس از جنگ سرد کماکان یک مسئله در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود؟ پاسخ به این پرسش حداقل از زاویه نگاه پژوهش پیش رو آری است. در توضیح این پاسخ باید به سه علت که در حقیقت، تکمیل‌کننده یکدیگرند، اشاره کرد. نخست، تداوم تهدید علیه ایالات متحده و متحدان غربی آن به‌ویژه کشورهای اروپایی در دوران پس از جنگ سرد، تهدیدی که بحران اوکراین آخرین و مشخص‌ترین نمونه آن در سال‌های اخیر است؛ دوم، ضعف دفاعی اروپا و ناتوانی مژمن کشورهای اروپایی در تأمین مستقل امنیت خود؛ و سوم، تلاش ایالات متحده برای گره زدن منافع امنیتی خود به منافع امنیتی اروپا به‌منظور مشروعیت بخشیدن به اقدام‌های خود؛ این دلایل کماکان دلیلی بر وجود و استمرار فعالیت ناتو محسوب می‌شوند و کماکان مطالعه دلایل بقای ناتو را به موضوعی قابل طرح در روابط بین‌الملل مطرح می‌کنند.

تحلیل نظری ضرورت بقای ناتو در دوران پسا جنگ سرد بر مبنای نواقعی‌گرایی و واقع‌گرایی تدافعی

"شما نمی‌توانید بیمه خانه خود را تنها به این دلیل که در دوازده ماه گذشته گزارش‌های نادری از دزدی در محله شما ثبت شده است، لغو کنید." (Thatcher, 1990)

مارگارت تاچر، نخست‌وزیر اسبق بریتانیا

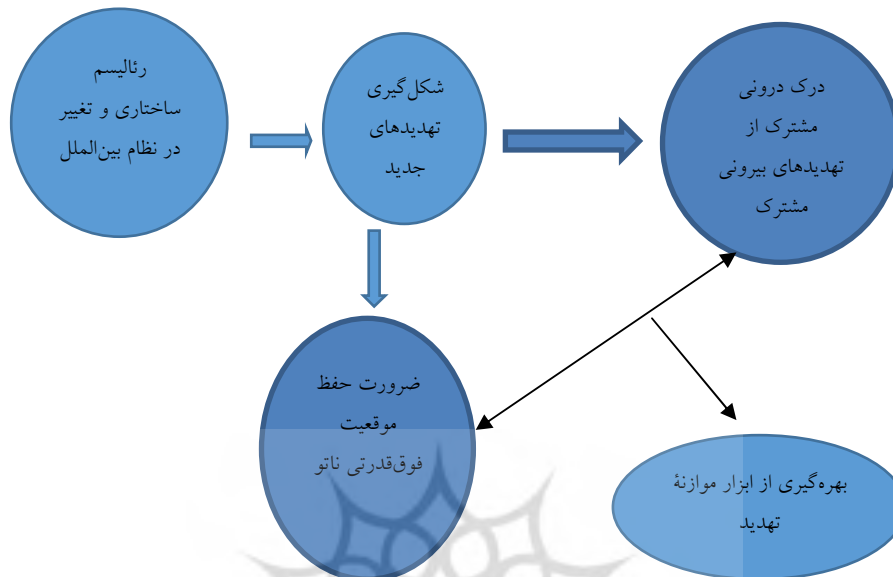
پایان جنگ سرد و استقرار نظم بین‌المللی تک‌قطبی به پیشوایی قدرتی به نام ایالات متحده آمریکا، فوق‌قدرتی که به‌ویژه در حوزه قدرت سخت و مشخصاً قدرت نظامی با فاصله‌ای شایان توجه از باقی دنیا ایستاده، سبب شده است تا هیچ دولتی نتواند با ادعای به چالش

کشیدن نظم مستقر، امنیت بین‌المللی را با خطر مواجه کند. اما این مسئله به معنای قرار داشتن نظم جدید بین‌المللی در یک حوزه امن نیست، بلکه به معنای تغییر شیوه‌های تهدید این نظم است. بنابراین، به‌رغم از میان رفتن تهدید مشخصی به نام اتحاد جماهیر شوروی، امروزه تهدیداتی پیچیده‌تر و به لحاظ شناسایی سخت‌تر پیش روی نظام بین‌الملل قرار دارند، تهدیداتی که دولت‌ها را به سمت گسترش همکاری‌های بین‌المللی ترغیب می‌کنند؛ همکاری بین‌المللی که ناتو تجسم آن است. بنابراین، دریافتیم که تغییر ساختار نظام بین‌الملل و برآمدن تهدیدهای جدید، توجهات جدیدی را برای ادامه فعالیت ناتو فراهم آورده است. در این میان پژوهشگرانی چون استفن والت با تأکید بر عدم کارایی موازنه قدرت در دوران جدید، بر ضرورت به‌کارگیری موازنه تهدید از سوی ناتو در جهت موازنه تهدیدهای پیش روی نظام جدید بین‌المللی تأکید می‌کنند (Vasques, 1997: 904). با توجه به این توضیح باید گفت که توسعه حوزه فعالیت ناتو چه به لحاظ موضوعی و چه به لحاظ جغرافیایی را نیز باید در راستای استراتژی جدید موازنه تهدید این سازمان ارزیابی کرد.

اما این پژوهش معتقد است که چنین تحلیلی از ترکیب دو نظریه رئالیسم ساختاری و رئالیسم تدافعی نیز نمی‌تواند به‌درستی پایایی و پویایی ناتو در دوران پس از جنگ سرد را تبیین کند، چراکه چنین تحلیلی در بهترین حالت تحلیلی بیرونی است که به توجهات بیرونی بر بقای ناتو تکیه و تأکید می‌کند. از این‌رو نیازمند تحلیل کامل‌تری هستیم که پیوندی معنادار میان توجهات بیرونی و درونی معطوف به بقای ناتو برقرار کند.

بر این اساس و از زاویه نگاه این پژوهش، مدل نظری زیر که البته کماکان بر مبنای ترکیب رئالیسم تدافعی و ساختاری قرار دارد، مدل به‌مراتب مناسب‌تری برای تحلیل ضرورت بقای ناتو در دوران پس از جنگ سرد است. بر این اساس، ناتو به‌عنوان یک فوق‌قدرت امنیتی به تداوم این وضعیت فوق‌قدرتی احتیاج دارد و چنین تداومی منوط به شکل‌گیری توافق درونی در درون ناتو و رسیدن اعضا به درک درونی مشترک از تهدیدهای بیرونی مشترک است.

۱. مدل نظری تحلیل بقای ناتو



در توضیح این مدل پیشنهادی باید گفت که تغییر در ساختار نظام بین‌الملل (به‌واسطه فروپاشی شوروی) و بی‌ثباتی‌های فراینده ناشی از آن و بسیاری از عوامل دیگر، تهدیدات امنیتی جدیدی را شکل داده که تروریسم مهم‌ترین آنهاست. افزون‌بر این، پیشرفت فناوری خود موجب تهدیدات جدیدی بوده است؛ تهدیداتی که مقوله امنیت سایبری را به مقوله مهمی در گفتمان امنیتی امروز جهان تبدیل کرده است. درک این تهدیدها و بسیاری تهدیدهای دیگر توسط اعضای ناتو و رسیدن آنها به درک مشترکی از تهدیدات بیرونی مشترک، ضرورت حفظ قدرتمندی ناتو در جهت تأمین امنیت اعضا را بیش از پیش یادآوری می‌کند و اعضای ناتو را به این باور می‌رساند که تنها راه تأمین امنیت جهانی، حفظ و تقویت موقعیت فوق‌قدرتی ناتو به‌عنوان یک بازیگر امنیتی جهانی است. در این زمینه به استراتژی موازنه تهدید به‌عنوان استراتژی کارآمدی برای مقابله مؤثر با تهدیدات جدید و حفظ موقعیت فوق‌قدرتی ناتو نگاه می‌شود.

ساختار نظام امنیت بین‌الملل پس از جنگ سرد

پس از پایان جنگ سرد بحث‌های بسیاری در مورد نظام امنیت بین‌الملل و محیط امنیتی جدید صورت گرفت. به‌رغم همه افتراقات، قدر مشترک همه این بحث‌ها این بود که با پایان یافتن

جنگ سرد تهدید لزوماً بیناسرزمینی نخواهد بود و امنیت دیگر تنها فیزیکی تعریف نخواهد شد. بنابراین، دیگر تنها استفاده از زور و نیروی نظامی تأمین‌کننده امنیت کشورها نخواهد بود. در شرایط پس از جنگ سرد و به‌ویژه بعد از حادثه یازده سپتامبر، غرب با محیط امنیتی جدیدی روبه‌رو شده که در این فضای جدید، ماهیت تهدیدات و منبع آنها نیز تغییر کرده است. افزون‌بر این، جهت‌گیری تهدیدات یا به تعبیری، ماهیت آنها از بیناسرزمینی به درون‌سرزمینی تغییر پیدا کرده است. بروز جنگ‌های داخلی عمده مانند جنگ داخلی سوریه تأییدی بر این مدعاست. همچنین، مؤلفه جدیدی به نام امنیت انسانی وارد دستورالعمل امنیتی شده است (Sanher, 2004). این تهدیدهای جدید که تهدیدات غیرسنجی خوانده می‌شوند، در سه ویژگی زیر مشترک‌اند:

۱. بدون مرز بودن تهدیدهایی مانند تروریسم و تهدید سایبری؛
۲. نامتقارن بودن تهدیدهای جدید مانند تروریسم؛
۳. نبود الزامی مبنی بر دولتی بودن آنها (Srikanth, 2014).

تهدیدهای غیرسنجی جدید

در مورد تهدیدهای غیرسنجی و ویژگی‌های آنها در مقدمه این گفتار توضیح داده شد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان هفت حوزه مهم در معرض تهدید امنیتی در جهان امروز را به ترتیب زیر شناسایی کرد:

۱. امنیت فردی؛
۲. امنیت اقتصادی؛
۳. امنیت غذایی؛
۴. امنیت سلامتی؛
۵. امنیت محیط زیست؛
۶. امنیت اجتماعی؛
۷. امنیت سیاسی.

در همین زمینه مهم‌ترین تهدیدهای غیرسنجی را می‌توان به صورت زیر معرفی کرد:

۱. سلاح‌های کشتار جمعی (دهشیر، ۱۳۸۱:۳۶)؛
۲. تهدید برآمده از رشد بازیگران غیردولتی و شبکه‌های جرم سازمان‌یافته (Srikanth, 2014: 61)؛
۳. تروریسم (Hoffman, 2013)؛
۴. جنگ‌های داخلی و تغییر رژیم (Srikanth, 2014: 63)؛
۵. مسائل زیست‌محیطی (ibid: 65)؛

۶. تغییرات دموگرافیکی (ibid:66);

۷. تهدیدات سایبری.

دلایل بقای ناتو در دوران پس از جنگ سرد

در ارزیابی کلی و با توجه به تغییرات صورت گرفته در ساختار نظام بین‌الملل و نظام امنیت بین‌الملل، می‌توان از ۳+۳ دلیل^۱ به‌عنوان دلایل اصلی بقای ناتو در دوران پس از جنگ سرد نام برد؛ دلایلی که سبب شکل‌گیری درک مشترکی از تهدید در میان اعضای ناتو هستند، درکی که عامل اصلی حفظ انسجام ناتو در فضای پسا جنگ سردی بوده است. این دلایل عبارت‌اند از:

- حمایت از ارزش‌های مشترک؛
- عدم اطمینان نسبت به آینده؛
- جبر بوروکراتیک؛
- حفظ امنیت و ثبات در اروپا؛
- تهدید ادامه‌دار و بازظهور کرده روسیه؛
- مواجهه با تهدیدهای جدید و غیرسستی (Brookings, 2011).

حمایت از ارزش‌های مشترک

ناتو برای اعضایش همواره چیزی بیشتر از یک موازنه‌گر علیه شوروی بوده است. برای این اعضا ناتو جامعه‌ای از دولت‌های همفکر بوده است، که نه تنها به‌واسطه مخالفت با کمونیسم، بلکه با اطمینان به ضرورت حمایت از آزادی، میراث مشترک و تمدن مردمان و سرزمین‌هایشان براساس ارزش‌ها و اصولی چون دموکراسی، آزادی فرد و حاکمیت قانون با یکدیگر متحد شده بودند (Brookings, 2011:6). با توسل به چنین برداشتی ناتو در سال‌های اخیر از اتحادی برای حمایت از اعضا در مقابل تهدید نظامی به اتحادی برای دفاع در مقابله تهدید نظامی و دفاع از ارزش‌های مشترک جامعه فراآتلانتیکی تبدیل شده است.

عدم اطمینان در مورد آینده

" شما نمی‌توانید بیمه خانه خود را تنها به این دلیل که در دوازده ماه گذشته گزارش‌های نادری از دزدی در محله شما ثبت شده است، لغو کنید."

مارگارت تاچر، نخست‌وزیر اسبق بریتانیا

اظهار نظر مذکور از تاچر در فضای پس از فروپاشی شوروی، به‌روشنی بر نیاز به سلبندی و ایجاد مانع در برابر آینده نامعلوم پسا جنگ سردی تأکید می‌کند. این نیاز در مفهوم

۱. از مجموع این دلایل، شماره‌های ۱-۲ و ۳ دلایل بنیادی و دلایل ۴-۵ و ۶ دلایل راهبردی هستند.

استراتژیک جدید اتحاد که در نوامبر ۱۹۹۱ و تنها چند روز پیش از فروپاشی شوروی توسط سران این سازمان تدوین شد، نیز گنجانده شد و بر ضرورت حفظ توازن استراتژیک در اروپا به‌عنوان یکی از چهار وظیفه اصلی امنیتی ناتو تأکید شد (The Alliance's Strategic Concept, 1991).

جبر بوروکراتیک

سازمان‌های قدیمی برخلاف سربازان قدیمی که فراموش می‌شوند، سعی می‌کنند تا مانند دیگر بوروکراسی‌ها ساختار و مأموریت خود را با محیط جدید انطباق دهند. در این زمینه ناتو در بعد سیاسی مأموریت‌های جدیدی از جمله مدیریت بحران^۱ و حفظ صلح^۲ برای خود تعریف کرد و در بعد نظامی نیز تلاش کرد تا ساختار نظامی منعطف‌تر، سریع‌تر و سبک‌تری را به‌منظور اعزام نیروها به مأموریت‌های دور طراحی کند (Brookings, 2011:7).

حفظ امنیت و ثبات در اروپا

تهدیدهای درونی جدی متوجه امنیت و ثبات در اروپا که از جمله آنها می‌توان به سه تهدید برجسته تروریسم، ظهور دوباره تهدید شوروی و همچنین، تهدیدهای برآمده از بحران مهاجرت اشاره کرد، در کنار امکان تسری ناامنی‌ها از سمت همسایگان این قاره به‌ویژه در آفریقا به اروپا ضرورت تأمین امنیت و ثبات در اروپا را بیش از پیش به سیاستمداران اروپایی یادآوری می‌کند. وقتی این ضرورت را در کنار ضعف توان نظامی کشورهای اروپایی (و بودجه دفاعی محدود آنها^۳) در کنار چالش‌های پیش روی تدوین و اجرای سیاست دفاعی-امنیتی مشترک اروپایی^۴ قرار می‌دهیم، به‌روشنی متوجه نیاز اروپا به حضور نظامی و حمایت‌های آمریکا و ناتو می‌شویم.^۵

تهدید ادامه‌دار و بازظهور کرده روسیه

از نگاه ناتو و شرکای اروپایی‌اش روسیه کماکان تهدیدی پابرجا برای این سازمان است؛ تهدیدی که وقوع بحران اوکراین تنها یک نمود از آن بوده است. در این زمینه ینس استولتنبرگ، دبیر کل ناتو در اظهار نظری تأمل‌برانگیز عنوان می‌کند:

1. Crisis Management

2. Peacekeeping

۳. در این زمینه گفته می‌شود اروپایی‌ها بیشتر نگران پایین آمدن سطح زندگی در این قاره هستند تا مقابله با تهدیدهای پیش رو.

4. European Common Defense and Security Policy

۵. در سند دفاعی اروپا در سال ۲۰۰۶ به چالش‌های امنیتی برآمده از جهانی شدن و همسایگی مناطق بی‌ثبات با اروپا در نتیجه آن و البته گسترش اتحادیه و همچنین، چالش‌های امنیتی برآمده از یک جهان چندقطبی اشاره شده است.

" نگاه ما به فعالیت‌های تهاجمی روسیه یک نگاه در خلأ نیست. این فعالیت‌ها در حقیقت، بخشی از الگوی رفتاری برهم‌زننده روسیه است که از مورد اوکراین فراتر می‌رود." (Stoltenberg, 2015)

این اظهار نظر مؤید این نکته است که از نگاه ناتو و به‌ویژه اعضای اروپایی آن، خطر رویکرد تهاجمی جدید روسیه برای امنیت اروپا فراتر از مورد خاص اوکراین بوده و خطر اصلی ناشی از تضعیف سه اصل اساسی امنیت اروپایی به‌واسطه این اقدام روسیه است، این سه اصل عبارت‌اند از:

۱. احترام به مرزها؛
۲. احترام به استقلال دولت‌ها؛
۳. تعهد به حل اختلاف‌ها از طریق دیپلماسی و نه زور (Stoltenberg, 2015).

به همه اینها باید تلاش اخیر روسیه برای مدرن کردن تجهیزات اتمی‌اش در کالینین‌گراد را هم اضافه کرد. بنابراین، درک مشترک مجموعه تهدیدهای برآمده از ناحیه رفتار روسیه ناتو یک ضرورت جدی برای کنشگری ناتو ایجاد کرده است.

مواجهه با تهدیدهای جدید و غیرسنتی

این تهدیدها که در بخش قبل معرفی شدند، تهدیدهایی هستند که مقابله با آنها نیازمند عمل مشترک و هماهنگ کشورهای است. در این زمینه ناتو تلاش کرده تا با تزریق سرعت عمل و انعطاف‌پذیری به درون ساختار نظامی خود، برای مقابله با این تهدیدات متنوع، بدون مرز و نامتقارن آماده شود.

تحلیل بقای ناتو براساس تحلیل محتوای کیفی و کمی سخنرانی‌های مقامات این سازمان

در این بخش و در تکمیل آنچه در بخش‌های گذشته به آن پرداخته شد، تلاش خواهیم کرد تا از خلال صحبت‌ها و سخنرانی‌های مقامات این سازمان دلایل بقای ناتو و اهداف و مأموریت‌های آن در دوران جدید را واکاوی کنیم. به‌منظور دستیابی به این هدف، محتوای سخنرانی‌های مقامات این سازمان در مقاطع زمانی مختلف تجزیه و تحلیل خواهد شد تا آشنایی بهتری با سیاست‌های اعلامی و اعمالی این سازمان و اهداف و وظایف آن حاصل شود.

روش تحلیل محتوای استفاده‌شده در این بخش و در این پژوهش روش تحلیل محتوای مقوله‌ای است. در این روش ابتدا متن مورد نظر را به اجزایی تجزیه می‌کنند (واحدبندی گفتمانی). سپس، اجزا را به طبقاتی (مقوله‌بندی گفتمانی) تقسیم می‌کنند و با شمارش فراوانی هر طبقه، درصد آنها را مشخص و در پایان، آن درصدها را تحلیل می‌کنند. با توجه به این

توضیح، در این پژوهش، تحلیل محتوای مقوله به شرح ذیل و به گونه‌ای گام‌به‌گام انجام گرفته است:

الف) در گام اول نمونه‌هایی از صحبت‌های مقامات ناتو با توجه به سه عامل موقعیت آن مقام، بازه زمانی صحبت انجام گرفته و ارتباط آن با موضوع پژوهش انتخاب شده است.

ب) در گام دوم نمونه‌هایی از متون مربوط به آن سخنرانی یا مصاحبه یا... در حد یک پاراگراف انتخاب می‌شوند.

ج) در مرحله بعد، مفاهیم مستتر در این نمونه‌ها (با توجه به ارتباط آنها با موضوع پژوهش) انتخاب شده و با تعیین شاخص‌ها، این مفاهیم تعریف عملیاتی می‌شوند.

د) در مرحله چهارم، واحدبندی گفتمانی انجام گرفته و این متون به اجزای خود تجزیه می‌شوند؛ اجزایی که در اینجا لحن جمله و کلمه است.

ه) در مرحله پنجم، معادل‌های کلامی این مفاهیم (در درون تقسیم لحن جمله و کلمه) تعیین می‌شوند.

و) در گام بعد این داده‌ها کدگذاری می‌شوند.

ز) در مرحله بعد و مرحله ماقبل پایانی، این داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری نظیر اس پی اس اس (SPSS) تحلیل می‌شوند تا فراوانی آنها مشخص شود.

ح) در مرحله پایانی، یافته‌های به دست آمده از تحلیل نرم‌افزاری تحلیل می‌شود تا نسبت آنها با موضوع پژوهش مشخص شود.

تحلیل محتوای کیفی

در ابتدا و به منظور دستیابی به درکی کلی از تغییر رویکرد ناتو در راستای مواجهه با محیط امنیتی جدید و پیوسته در حال تغییر، نگاهی دقیق به سخنرانی سالانه دبیر کل این سازمان ینس استولتنبرگ به تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۱۵ خواهیم داشت؛ سخنرانی‌ای که در آن بر ضرورت تقویت ناتو تأکید می‌کند (NATO News, 2015):

" سال ۲۰۱۴ سالی سیاه برای امنیت اروپا بود، اما ناتو توانست تا با تطبیق دادن خود با محیط امنیتی جدید به چالش‌های پیش روی خود به درستی پاسخ دهد. از جمله تغییرات ایجاد شده در محیط امنیتی پیرامونمان باید به گسترش و شدت گرفتن افراط‌گرایی در مرزهای جنوبی سازمان اشاره کنم، افراط‌گرایی که در حال تغذیه تروریسم در کشورهای عضو سازمان است. افزون‌بر این، اقدام روسیه در بی‌ثبات کردن شرق اوکراین چالش‌های امنیتی جدیدی را برای اعضای سازمان ایجاد کرده است. در این زمینه تصمیم گرفته‌ایم تا ضمن حفظ قدرت ناتو، آمادگی و قدرت انطباق‌پذیری لازم در جهت مقابله با این تهدیدات را در خود ایجاد

کنیم. در اجلاس اخیر در ولز بر روی یک طرح اقدام علمی توافق کردیم، که اجرای آن مستلزم تقویت بودجه دفاعی و توان نظامی ناتو است. در صورت عملی شدن این طرح ما شاهد عظیم‌ترین پروژه تقویت ناتو از زمان جنگ جهانی دوم به این سو خواهیم بود. هدف ما از اجرای این طرح حفظ ناتو به عنوان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین اتحاد نظامی در جهان در راستای پاسخ‌دهی به محیط امنیتی جدید است. در راستای توافقات ولز اعضای ناتو توافق کرده تا بودجه بیشتری را به سازمان اختصاص دهند، البته این بودجه را به شیوه درست‌تری مدیریت کرده و هزینه کنند. این تصمیم برای متوقف کردن روند کاهش بودجه و تصمیم برای افزایش آن در جهت تقویت سازمان در راستای انجام مؤثرتر وظایف خود بوده است. در این بین یکی از مهم‌ترین این وظایف، حمایت از نیروهای افغان و ادامه فداکاری‌های سربازان ناتو در جهت بازگرداندن ثبات و آرامش به این کشور جنگ‌زده است (NATO News, 2015). "

نگاهی عمیق‌تر به صحبت‌های این بلندپایه‌ترین مقام سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، روشن‌کننده مباحث بسیار مهمی است، مباحثی که می‌توان آنها را در چهار محور زیر خلاصه کرد:

۱. تأکید بر ضرورت افزایش بودجه نظامی ناتو؛
۲. ضرورت تطبیق‌پذیری ناتو با محیط امنیتی جدید؛
۳. اشاره تلویحی به ناموفق بودن اروپا در تأمین امنیت خود؛
۴. اشاره به فداکارانه بودن عملیات ناتو.

نکته مهم دیگری که استولتبرگ بر آن تأکید می‌کند، چالش‌های امنیتی جدید پیش روی سازمان و محیط امنیتی پیوسته در حال تغییر است؛ محیط امنیتی‌ای که ناتو باید برای مواجهه با آن خود را مهیا کند. در این زمینه او به تهدیدات جدیدی مانند جنگ داخلی اوکراین و رشد تروریسم در درون سرزمین‌های اروپایی اشاره می‌کند. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین اهداف او از صحبت درباره تهدیدات جدید و محیط امنیتی جدید، توجیه ضرورت بقای ناتو و توسعه حوزه عمل این سازمان است.

در ادامه به موضوع ناکافی بودن و ناموفق بودن تلاش‌های مستقل اروپایی در جهت تأمین امنیت خود و مواجهه با چالش‌های امنیتی جدید اشاره می‌کند؛ اشاره‌ای که بسیار باب طبع ایالات متحده است. در حقیقت، در این بخش از گزارش به وابستگی اروپا به ناتو برای تأمین امنیت خود در شرایط امنیتی جدید و ضرورت مشارکت فعال‌تر اعضای اروپایی ناتو و صرف هزینه‌ای بیشتر از سوی آنها تأکید می‌شود.

در توضیح باید گفت که کاهش بودجه نظامی ناتو در سال‌های اخیر که یکی از مهم‌ترین دلایل آن بحران مالی اروپا در این سال‌ها و اجرای سیاست‌های ریاضت اقتصادی اعضای

اروپایی سازمان بوده است از یک سو و افزایش بودجه نظامی رقبایی مانند روسیه و چین، اسباب نگرانی مقامات سازمان را فراهم کرده است. بنابراین، یکی از مهم‌ترین محورهای مورد بحث میان اعضای سازمان در اجلاس ولز و یکی از مهم‌ترین موارد مورد اشاره دبیرکل در سخنرانی سالانه‌اش، ضرورت افزایش بودجه نظامی سازمان و تخصیص هدفمند آن بوده است. اهمیت این موضوع وقتی آشکارتر می‌شود که بدانیم راسموسن، دبیر کل سابق ناتو^۱ در سخنرانی خود در سال ۲۰۱۳ تأکید کرد که "ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم چالش‌های امنیتی از بین بروند و همزمان بر ترمیم اقتصادیمان متمرکز باشیم. در حقیقت، مسئله برعکس است و این خطر وجود دارد که چالش‌ها گسترده‌تر شوند، چراکه جهان خارج بسیار پیش‌بینی‌ناپذیر است" (NATO Press Conference, 2013).

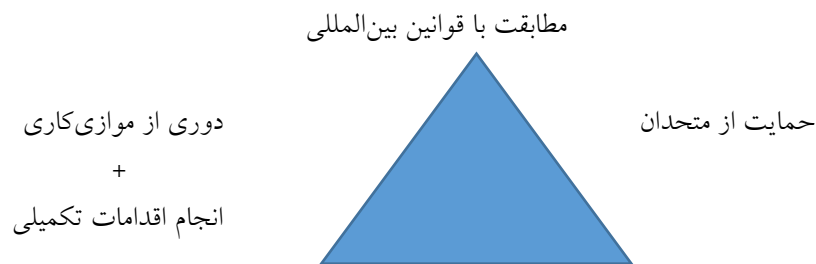
اما اشاره به فداکارانه بودن عملیات سربازان ناتو در افغانستان بسیار مهم است، اشاره‌ای که هرچند به آن کمتر توجه می‌شود، از اهمیت بسیار زیادی در تحلیل محتوای گزارش دبیرکل برخوردار است. در حقیقت، استفاده از لفظ فداکارانه در مورد عملیات ناتو در افغانستان تلاشی است برای جنبه انسان‌دوستانه بودن فعالیت‌های ناتو و بالا بردن مشروعیت جهانی این سازمان در نزد افکار عمومی کشورها، مشروعیتی که ناتو برای ادامه حیات خود به شدت به آن وابسته است.

در سخنرانی دیگری در مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک در می ۲۰۱۵ استولتنبرگ بر تهدیدهای جدید مانند رشد تروریسم و بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای اشاره می‌کند و در مورد روسیه می‌گوید: "ما به رفتار روسیه در اوکراین در خلأ نگاه نمی‌کنیم، بلکه این رفتار را بخشی از الگوی رفتاری برهم‌زننده روسیه می‌دانیم که از موضوع اوکراین فراتر می‌رود." در بخش دیگری از سخنرانی او به شفافیت سیاست‌های ناتو و غیرشفاف بودن رفتار روسیه اشاره می‌کند و می‌گوید: "ما چیزی را پنهان نمی‌کنیم، اما روسیه مدام در حال پنهان‌کاری است" (CSIS, 2015).

همچنین، سورین دوکارو معاون دبیر کل ناتو در سخنرانی خود در کمیته مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد بر ضرورت همکاری‌های اطلاعاتی میان اعضای ناتو در جهت مبارزه با تروریسم تأکید کرد. او در پاسخ به این پرسش که آیا تشدید فعالیت‌های پلیسی در جوامع اروپایی تناقضی با معیارهای جامعه دموکراتیک ندارد، پاسخ داد که این تلاش‌ها در حقیقت بخشی از تلاش برای حفظ آزادی و حقوق دموکراتیک مردم این کشورهاست؛ آزادی‌ای که تروریست‌ها قصد سلب کردن آن را دارند. او در ادامه تأکید کرد که هیچ مذهب یا ملیتی را نباید تنها منبع تروریسم به حساب آورد، چراکه افراطی‌گری پدیده‌ای است که

1. Anders Fogh Rasmussen

نمی‌توان آن را منحصر به یک مذهب یا ملیت خاص دانست (NATO Oppinion, 2015). در ادامه دوکارو به سه هسته اصلی سیاست مبارزه با تروریسم ناتو اشاره کرد و این سه هسته را به شکل زیر معرفی کرد:



تحلیل صحبت‌های این مقام بلندپایه ناتو نیز به‌خوبی نشان می‌دهد که ناتو مبارزه با تروریسم را در صدر فهرست اهداف امنیتی خود قرار داده است، البته تلاش دارد تا به فعالیت‌های ضدتروریستی خود جنبه حقوقی ببخشد و برای آنها مشروعیت‌سازی کند. بنابراین و براساس تحلیل محتوای کیفی، باید گفت آنچه از محتوای صحبت‌های مقامات سازمان ناتو می‌توان دریافت این است که ناتو در پی بازسازی توان نظامی و اقتدار خود و مطرح کردن خود به‌عنوان سازمانی برای حفظ صلح جهان است. در این زمینه از صحبت‌های مقامات این سازمان در سال‌های اخیر می‌توان نتایج زیر را استخراج کرد:

۱. تأکید بر ضرورت افزایش بودجه نظامی ناتو؛
۲. ضرورت تطبیق‌پذیری ناتو با محیط امنیتی جدید؛
۳. اشاره تلویحی به ناموفق بودن اروپا در تأمین امنیت خود؛
۴. اشاره به انسان‌دوستانه بودن عملیات ناتو؛
۵. ضرورت بازسازی اقتدار ناتو؛
۶. تغییر سیمای ناتو از یک سازمان امنیتی صرف به سازمانی برای حفظ صلح جهانی؛
۷. تأکید بر ارزشی بودن ناتو؛
۸. مشروعیت‌سازی برای ناتو.

تعریف عملیاتی مفاهیم مستتر در سخنرانی‌های مقامات ناتو و تعیین معادل‌های کلامی آنها

در جمع‌بندی کلی و البته دقیق و از خلال سخنرانی‌های مقامات ارشد ناتو در طول دو سال اخیر می‌توان سه مفهوم کلیدی و پرتکرار را به شرح ذیل شناسایی کرد:

الف) محیط امنیتی جدید: فضایی که در آن تهدیدهای غیرسنتی بدون مرز و متنوع، امنیت کنشگران را تهدید می‌کند و فضایی که در آن ابعاد دیگری از امنیت از جمله امنیت انسانی و فرهنگی اهمیت پیدا کرده‌اند.

شاخص‌های محیط امنیتی جدید

- بروز و ظهور تهدیدات غیرسنتی جدید؛
- بدون مرز بودن تهدیدات جدید؛
- جهت‌گیری فرامرزی تهدیدات جدید؛
- منابع متنوع تهدیدات جدید؛
- اهمیت یافتن ابعاد انسانی و فرهنگی امنیت.

معادل‌های کلمه‌ای محیط امنیتی جدید: تهدیدات غیرسنتی جدید و افراط‌گرایی.

معادل‌های جمله‌ای محیط امنیتی جدید: جملات هشدار و خبری.

ب) تطبیق‌پذیری: بازتعریف و بازطراحی یک مجموعه به‌منظور حفظ کارآمدی آن و در پاسخ به تحولات صورت گرفته در محیط عمل آن.

شاخص‌های تطبیق‌پذیری

- آمادگی؛
 - درک تغییرات محیط عمل؛
 - بازتعریف ساختار و رویکردها.
- معادل‌های کلامی تطبیق‌پذیری: آمادگی، انطباق، تقویت.
- معادل‌های جمله‌ای تطبیق‌پذیری: جملات تجویزی.

ج) مشروعیت: تطابق نتایج برآمده از یک شیوه عمل با ارزش‌های جامعه تحت عمل و در نتیجه، کسب حمایت عمومی برای آن شیوه؛

شاخص‌های مشروعیت:

- کارآمدی؛
- تطابق‌پذیری ارزشی؛
- اقناع افکار عمومی.

معادل‌های کلامی مشروعیت: ارزش‌محور بودن؛ عمل به وظایف و تعهدات.

معادل‌های جمله‌ای مشروعیت: جملات تجویزی.

تحلیل بقای ناتو براساس تحلیل محتوای کمی سخنرانی‌های مقامات این سازمان

در این بخش، تحلیل محتوای کمی سخنرانی‌های مقامات ناتو (که در گفتار پیشین به آنها اشاره شد) صورت خواهد گرفت. برای انجام این شکل از تحلیل محتوا مراحل زیر به ترتیب انجام خواهند گرفت:

۱. واحدبندی گفتمانی: در این مرحله واحدهای مورد تحلیل (جمله و لغت) شناسایی می‌شوند؛
۲. مقوله‌بندی گفتمانی: در این مرحله واحدهای گفتمانی به مقوله‌های گفتمانی تجزیه می‌شوند؛
۳. کدگذاری: در این مرحله مقوله‌های گفتمانی با توجه به معادل‌های کلامی تعیین شده در گفتار پیشین کدگذاری می‌شوند.

۲. لغت

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	لغت
۱۵/۶	۱۵/۶	۵	افراط‌گرایی
۳۴/۴	۱۸/۸	۶	محیط امنیتی جدید
۴۰/۶	۶/۳	۲	تغییر
۴۶/۹	۶/۳	۲	آمادگی
۶۲/۵	۱۵/۶	۵	انطباق
۶۸/۸	۶/۳	۲	تقویت
۸۴/۴	۱۵/۶	۵	مشروعیت
۹۶/۹	۱۲/۵	۴	ارزش‌محور بودن
۱۰۰/۰	۳/۱	۱	وظایف
	۱۰۰/۰	۳۲	Total

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این جدول واژه‌های محیط امنیتی جدید و افراط‌گرایی در کنار دو واژه انطباق و مشروعیت پرتکرارترین این واژه‌ها بوده‌اند. دو واژه اول بر محیط امنیتی جدیدی که ناتو درون آن قرار گرفته است، البته بر مهم‌ترین تهدید پیش روی این سازمان (تهدید افراط‌گرایی در جهان) تأکید می‌کنند و دو واژه دوم (انطباق و مشروعیت) نیز دو نیاز امروز ناتو جهت حفظ کارایی این سازمان هستند، البته هر چهار واژه در حقیقت، بر ضرورت بقای ناتو در دوران پسا جنگ سردی تأکید دارند. مشاهده می‌شود که این چهار واژه اجزایی از هم متغیر مستقل و هم متغیر وابسته پژوهش را در بر می‌گیرند.

۳. لحن جمله

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	جمله
۳۱/۳	۳۱/۳	۱۰	هشدار
۶۸/۸	۳۷/۵	۱۲	تجویزی
۱۰۰/۰	۳۱/۳	۱۰	خبری
	۱۰۰/۰	۳۲	Total

در جدول بالا جملات تجویزی، هشدار و خبری به ترتیب بالاترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در تحلیل نتایج به دست آمده باید گفت که جملات تجویزی و هشدار به ترتیب بر ضرورت بقای ناتو و هشدار در مورد تهدیدهای برآمده از محیط امنیتی جدید تأکید دارند و جملات خبری نیز گزارش تهدیدهای پیش روی سازمان و اقدامات ناتو را ارائه می‌دهند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این جملات و ترتیب آنها نیز هر دو متغیر پژوهش یعنی هم تغییر در ساختار نظام امنیت بین‌الملل و هم ضرورت بقای ناتو را در برمی‌گیرند و ارتباط میان این دو را به‌طور ضمنی تأیید می‌کنند؛ ارتباطی که بیان‌کننده فرضیه اصلی پژوهش پیش رو است.

نتیجه

در این مقاله تحولات صورت‌گرفته در محیط امنیتی جدید پس از جنگ سردی و دلایل بقای ناتو در این دوران بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که تغییرات پدیدآمده در نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و در پی آن بروز تهدیدات جدید، ضرورت‌های جدیدی را برای بقای ناتو و پایایی آن ایجاد کرده‌اند. به تبع و متناسب با این تحولات، ناتو نیز ساختار خود را متحول کرده و اهداف و مأموریت‌های جدیدی برای خود تعریف کرده است. بنابراین، وظیفه و هدف ناتو در عصر جدید دیگر تنها ایجاد بازدارندگی در مقابل شوروی نبوده و نیست (هرچند این هدف کماکان یکی از اهداف مهم سازمان باقی است)، بلکه فراتر از آن، درک مشترک اعضای ناتو از شرایط امنیتی امروز جهان و تهدیدهای جدید سبب شده است تا این سازمان با برداشتن محدودیت‌های موضوعی و جغرافیایی موجود، اهداف جدیدی را در جهت موازنه تهدیدهای جدید برای خود تعریف کند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، «مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی.
۲. سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری، تهران: سمت.

ب) خارجی

3. Albright, Madeline K. (1997), Prepared Statement before the North Atlantic Council, NATO Headquarters, Brussels, Belgium, February 18, 1997.
4. Buzan, Barry (2004), *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
5. Brookings (2011), *NATO's Purpose after the Cold War*, Retrieved from www.brookings.edu.
6. Brown, Michael E (2000), *European Security: The Defining Debates*, Cambridge: The MIT Press.
7. CACI (2008), *The Need for An Integrated National or International Asymmetric Threat Strategy*, retrieved from AsymmetricThreat.net.
8. International Institute for Strategic Studies (1998), *The Military Balance 1998/99*, London: Oxford University Press.
9. Kissinger, Henry (2014), *World Order*, New York: Penguin Group.
10. Lennon, Alexander T.J.; Kozlowski, Amanda (2008), *Global Powers in the 21st Century*, Boston: the MIT Press.
11. Srikanth, Divya (2014), "NON-TRADITIONAL SECURITY THREATS IN THE 21ST CENTURY: A REVIEW," *International Journal of Development and Conflict*, Vol.4:60-68.
12. Vasques, John A. (1997), "The Realist Paradigm and Degenerative versus Progressive Research Programs: An Appraisal of Neo-traditional Research on Waltz Balancing Proposition", *The American Political Science Review*, Vol. 91, No.4: 899-912.

ج) وبسایت‌ها

- http://www.nato.int/cps/en/natohq/opinions_114693.htm.
- http://www.nato.int/cps/en/natohq/official_texts_106674.htm?selectedLocale=en
Meeting Today's Security Challenges: the Importance of NATO-EU Cooperation, Retrieved from www.nato.int.
- http://www.nato.int/cps/en/natohq/official_texts_106674.htm?selectedLocale=en
Adapting to Changed Security Environment; Speech by NATO Secretary General at the Center for Strategic and International Studies (CSIS).
Press Conference by NATO secretary General Anders Fogh Rasmussen Following the NATO Defense Ministers meeting on 4 June 2013, Retrieved from www.nato.int.